

چکیده

یکی از مباحث مهم در تاریخ بیهقی، شناخت اصطلاحات، تعبیرات و ارزش‌هایی است که در این کتاب گران‌سنگ به کار رفته است. از جمله مناصب مهم دربار پادشاهان در ادوار گذشته ایران «دیوان رسالت» بوده که مسئولیت تهیه و تنظیم نامه‌ها و مکتوبات درباری و گزینش القاب و عناوین مکاتبات را برعهده داشته است. هر یک این نامه‌ها به فراخور اهمیت و ارزشی که داشته، دارای اسم و عنوان خاصی بوده است.

با توجه به این که بخش‌هایی از کتاب ارزشمند تاریخ بیهقی در کتاب‌های ادبیات فارسی دوره دبیرستان آمده است، نگارنده برای روشن‌تر شدن محتوای این نامه‌ها و دیگر ارزش‌های کتاب تاریخ بیهقی به‌طور مختصر به شرح و توضیح آن‌ها می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها:

تاریخ بیهقی، ارزش زبانی، ارزش هنری، ارزش تاریخی، ارزش نامه‌ها.

علی بازوند

دبیر دبیرستان‌های
پلدختر، کارشناس
ارشد زبان و ادب
فارسی

آن چه تاریخ بیهقی را از کتب دیگر متمایز می‌سازد، ویژگی‌های زبانی، تاریخی، هنری، ارزش نامه‌ها، مطالب جغرافیایی و هنر نویسندگی و مواعظ و اندرزهای به کار رفته در آن است.

به دلیل اهمیت ادبی و ارزش زبانی این کتاب، بخش‌هایی از تاریخ بیهقی در کتب ادبیات فارسی دبیرستان آمده که مهم‌ترین آن‌ها محاکمه حسنک وزیر و پیامدهای آن است که همراه با ذکر دقیق و تصویر صحنه‌های این رویداد تلخ، با ژرف‌نگری و گیرایی خاصی بیان شده است.

بی‌شک فهم و درک دقیق این کتاب بدون در نظر گرفتن هر کدام از این ویژگی‌ها دشوار می‌نماید. نگارنده در این مقاله در نظر دارد به‌اختصار به شرح و توضیح «ارزش زبانی، تاریخی و هنری نامه‌ها» در این کتاب وزین بپردازد؛ باشد که مورد توجه همکاران ارجمند قرار گیرد.

ارزش زبانی

واژه‌های زیبا، ترکیبات بی‌مانند، تعبیرات لغوی، افعال ترکیبی و پیشوندی و بالاخره ضرب‌المثل‌های شیرین فارسی که ابوالفضل بیهقی در کتاب خود به کار برده است، در کمتر کتابی دیده می‌شود. او از این جهت، در انتقال زبان متداول خراسان آن روزگار به موفقیت کم‌نظیری دست یافته است.

مقدمه

کتاب تاریخ بیهقی، که نزدیک هزار سال از عمر آن می‌گذرد، گنجینه‌ای کم‌شناخته‌شده از واژگان، اصطلاحات، تعبیرها و مثل‌های شیرین زبان فارسی است که به حق آن را باید اوج بلاغت زبان فارسی در بین متون نثر و از ارزشمندترین آثار منثور زبان فارسی دانست. این کتاب صرف‌نظر از اشمال بر ارزش ادبی، کامل‌ترین سند تاریخی روزگار مسعود غزنوی به‌شمار می‌آید و دربردارنده اطلاعاتی سودمند در زمینه‌های جامعه‌شناسی، سیاسی، تاریخی و ادبی زمان نویسنده است.

آن چه تاریخ

بیهقی را از کتب

دیگر متمایز

می‌سازد،

ویژگی‌های زبانی،

تاریخی، هنری،

ارزش نامه‌ها،

مطالب جغرافیایی

و هنر نویسندگی

و مواعظ و

اندرزهای به‌کار

رفته در آن است

تاریخ بیهقی

ارزش‌های کتاب تاریخ

واژه‌های عربی تاریخ بیهقی بنابر نقل شادروان ملک‌الشعرا بهار بیش از ده درصد نیست و بقیه واژه‌ها، به جز اسم‌های خاص، فارسی هستند. واژه‌های عربی نیز یا آن‌هایی هستند که معادل فارسی‌شان متداول نبوده است یا لغات دینی و دولتی هستند که از طریق متون علمی و دینی و احکام دولتی به زبان فارسی راه یافته‌اند.

بنابراین، یکی از ارزش‌های والای کتاب تاریخ بیهقی وجود این واژه‌ها و ترکیبات پارسی است که اگر بیهقی بسیاری از آن‌ها را به کار نمی‌برد و جاویدان نمی‌ساخت، بدون شک از میان می‌رفتند و امروز همانند هزاران واژه پارسی دری دیگر به دست فراموشی سپرده شده بودند.

ارزش تاریخی

مستند بودن کتاب و ارزش تاریخی آن را نمی‌توان انکار کرد. شکی نیست که بعضی مورخان شرقی مسائل و رویدادهای تاریخی را چنان که باید تحقیق نکرده و آن‌ها را صرفاً براساس شنیده‌ها یا نوشته‌های بی‌اساس دیگران ثبت کرده‌اند یا فقط به ذکر اخبار جنگ و تولد و وفات و عزل و نصب حاکمان و تاریخ آن و از این قبیل مسائل بسنده کرده‌اند. بیهقی از این گونه تاریخ‌نویسی انتقاد می‌کند.

او در این مورد چنین می‌گوید: «در تواریخ چنان می‌خوانند که فلان پادشاه فلان سال را به فلان جنگ فرستاد و فلان روز صلح کردند و این را بزد و برین بگذاشتند، اما من آن چه واجب است به جای آرم.»

بیهقی از غرض‌ورزی‌هایی که بسیاری تاریخ‌نویسان بدان آوده بوده‌اند، دوری گزیده و از ذکر بایستی‌ها دریغ نورزیده است؛ مثلاً مسعود غزنوی را که خود در دستگاه او کار می‌کرده، در چند جا مورد انتقاد قرار داده و نکوهیده است. در این خصوص نکته شایان ذکر، این است که چون بیهقی تاریخش را به خواهش یا امر کسی ننوشته و در قبال کسی تعهدی نداشته، «آنچه دلش گفت، بگو گفته است». این بی‌نظری و حقیقت‌گویی او از امتیازات بزرگ این کتاب محسوب می‌شود.

نکته دیگری که در ذکر ارزش‌های تاریخ او نباید از یاد برد، این است که بیهقی در کار تاریخ‌نویسی خود را ملزم می‌کند که نوشته‌هایش یا مبتنی بر مشاهده شخصی او باشند یا این که

آن‌ها را از شخص مورد اعتمادی شنیده باشد. خود او می‌گوید: «من که این تاریخ پیش گرفته‌ام، التزام این قدر بکرده‌ام تا آن چه نویسم یا از معاینه من است یا از سماع درست از مردی ثقه^۱». این دو شرط بسیار مهم که مورخ با خود عهد کند که هر چه را می‌نویسد در درجه نخست به چشم دیده یا دست‌کم از منبع موثقی شنیده باشد، از جمله شرایطی است که بالاترین اعتبار را به یک کتاب تاریخ می‌بخشد.

ارزش هنری

از دیگر امتیازات تاریخی کتاب، جذابیت و گیرایی آن است. شاید در میان تواریخ قدیم نتوانیم کتابی را بیابیم که هر چه آن را می‌خوانیم بر حرص و ولع ما برای بیشتر خواندنش بیفزاید.

غمنامه محاکمه حسنک وزیر و پیش‌درآمدها و پیامدهای آن همراه با ذکر دقیق و تصویر صحنه‌های این رویداد تلخ تاریخ، با ژرف‌نگری و گیرایی خاصی بیان شده و یادآور یک رمان دلکش است. کمتر خواننده‌ای است که پس از آن که به خواندن این داستان آغاز کرد، بتواند از بقیه آن بگذرد و آن‌ها را نخواند؛ تاریخ بیهقی از این قبیل صحنه‌های زنده و گیرا و شکوهمند بسیار دارد. توصیف وضع زندگانی درباری و بازگویی آن چه در درون جامعه و دربار می‌گذشته و نیز اوضاع اجتماعی آن روزگار، از ارزش‌های دیگر این کتاب تاریخی است. کتاب یاد شده به راستی حکم آینه‌ای را دارد که آن چه برای نویسنده مشهود بوده، عیناً در آن انعکاس یافته است. در داستان خیشخانه^۲ اهرات، بیهقی جریان خوش‌گذرانی‌ها و عیاشی‌های روزگار جوانی مسعود غزنوی را بسیار رندانه و زیبا می‌نماید؛ از شراب‌خواری‌های او که البته «پنهان از پدر می‌خورد» تا مطربانی که برایش می‌نواختند و «پوشیده از ریحان خادم^۳ فرود سرای خلوت‌ها می‌کرد و مطربان می‌داشت^۴» سخن می‌گوید اما بسیار رندانه و زیرکانه به شرح این ماجراها می‌پردازد تا مبادا گرفتاری‌ای برایش پیش آید و او را از نوشتن آن چه در این خصوص می‌نگارد، بازدارد.

ارزش نامه‌ها

۱. نامه توقیعی: نامه‌ای بود دارای دست‌خط و امضای شاه که گاه به جهت تأکید در اجرای فرمان یا برای بزرگداشت طرف مخاطب‌نامه، شاه، علاوه بر امضا، سطری نیز با خط خود بر نامه می‌افزود.

توصیف وضع
زندگانی درباری
و بازگویی
آن چه در درون
جامعه و دربار
می‌گذشته و نیز
اوضاع اجتماعی
آن روزگار، از

ارزش‌های دیگر این
کتاب تاریخی است

تاریخ بیهقی آینه
روشن عصر
غزنوی است و
نویسنده آن با دقت
و باریک‌بینی تمام،
جلوه‌های زندگی
آن روزگار را با قلم
توانای خود ثبت
کرده است

۲. گشادنامه^۵: امروز به آن اعتبارنامه می‌گویند و آن نامه‌ای سرگشاده بوده است که مأموریت و نوع فرمان و وظیفه مأمور را در آن قید می‌کرده و برای اجرا، به دست قاصدی امین می‌سپرده‌اند.

۳. مُلطفه^۶: نامه‌ای مختصر و حاوی مطالب محرمانه بود و در مواردی که فوریتی در کار بود، ارسال می‌گردید. مطلب را روی کاغذ کوچکی می‌نوشتند و آن را به وسیله فردی که مورد سوءظن نبود، می‌فرستادند.

۴. نامه معما: گاه نامه‌های محرمانه را به صورت رمزی می‌نوشتند تا دریافت و کشف رموز و اسرار و محتوای آن‌ها آسان نباشد. فرق این نوع نامه با ملطفه همین نکته آخر بود و درک و فهم معما ظاهراً با قراردادی، که میان نویسنده و گیرنده گذاشته شده بود، امکان‌پذیر می‌شد.

۵. منشور^۷: ابلاغ و حکم رسمی شخصی بود که به مقامی منصوب می‌شد. صاحب دیوان رسالت آن را فراهم می‌آورد و نوع شغل و مأموریت آن صاحب‌منصب را در آن می‌نوشت و بعد آن را به امضای شاه می‌رساند. این نامه سر بسته نبوده و شاید وجه تسمیه آن همین امر و نیز نقشی باشد که در نشر و پراکندن محتوای خود داشته است.

۶. مواضعه^۸: قراردادی بود که میان سلطان و صاحب‌منصبی جدید یا میان دو تن از بزرگان کشور در مورد مسائل دیوانی و شرایط کارشان منعقد می‌شد.

۷. قصه: شکایت‌نامه، عرض حال، دادخواست؛ در قدیم آن را به اختصار می‌نوشتند و بر روی چوبی در محلی که توجه امیر و حاکمی را جلب می‌کرد، نصب می‌کردند؛ ترکیبات «قصه رفع کردن» و «قصه برداشتن» از همین جا در زبان فارسی تداول یافته است.

۸. پیمان‌نامه: نامه‌ای بود که پیمان پادشاهی با پادشاه دیگر یا خلیفه را دربرداشت یا با سوگندی شرعی همراه بود و برای تأیید درستی مطالب آن به امضای بعضی خواص نیز می‌رسید. پیمان‌نامه معمولاً مفصل بوده است.

۹. فتح‌نامه: نامه‌ای بود حاوی خبر فتح و پیروزی لشگر از سوی شاه که به وسیله مَبَشِران برای نشان دادن قدرت دولت به شهرها ارسال می‌شد و بیشتر جنبه تبلیغاتی داشت.

۱۰. رقعہ: نامه کوتاه و یادداشت‌گونه‌ای بود حاوی مطالب رقعہ‌دهنده که هنگامی بیان آن‌ها به طور شفاهی میسر نبود، خواست‌ها و گفتنی‌هایش را، که البته به امر مهمی مربوط می‌شد، بر تکه کاغذی می‌نوشت و به اطلاع سلطان می‌رساند.

۱۱. تذکره: نامه‌ای بود که در پی گفته یا نوشته پیشین و صرفاً برای یادآوری آن مطالب.

۱۲. مشافهه^۹: پیامی شفاهی بود که فرستاده یک پادشاه آن را به پادشاهی دیگر می‌رساند. البته پیام در قالب متنی کتبی به وسیله دیوان رسالت تهیه می‌شد تا برای پیغام‌گزار ابهامی در

مضمون پیام باقی نماند و احتمالاً دخل و تصرفی نیز در آن صورت نگیرد.

علاوه بر انواع نامه‌های رسمی یاد شده، گاهی میان مقامات و افراد مختلف نیز نامه‌هایی رد و بدل می‌شد که اطلاعات خصوصی و محرمانه‌ای را دربرداشتند و از جهت شناخت آنان و به خصوص رابطه میان آن‌ها در وقایع تاریخی بسیار مفید و راه‌گشای پاره‌ای مشکلات تاریخی و اجتماعی آن روزگار تواند بود.

(تاریخ بیهقی، مصطفوی سبزواری: ۱۲-۶)

نتیجه‌گیری

تاریخ بیهقی آینه روشن عصر غزنوی است و نویسنده آن با دقت و باریک‌بینی تمام، جلوه‌های زندگی آن روزگار را با قلم توانای خود ثبت کرده است. بیهقی با احاطه گسترده بر زبان فارسی، توانسته است کتابی بنویسد که خواننده از خواندن آن لذت ببرد. همین ارزش‌های ادبی است که جنبه ادبی کتاب را بر جنبه تاریخی آن برتری می‌دهد و این برتری، حاصل اشراف وی بر زبان فارسی و صداقت او در بیان حوادث و رویدادهایی است که یا خود ناظر بر آن‌ها بوده یا از افراد مورد اعتمادش شنیده است. وی داستان و حوادث آن را چنان با مهارت و استادی بیان می‌کند که برای خواننده این تصور پیش می‌آید که دارد فیلم‌نامه می‌خواند یا خود شاهد و ناظر ماجراست. در یک کلام، تاریخ بیهقی از شاهکارهای ادب فارسی، و از حیث انشا، نمونه‌ای از بلاغت زبان فارسی است.

پی‌نوشت

۱. ثقه: مرد معتمد، طرف اطمینان. (فرهنگ معین)
۲. خیش‌خانه: خانه‌ای که از نی و علف و خار و خس یا بر پرده خیش سازند و بر آن آب پاشند تا هوای داخل آن خنک گردد. (فرهنگ معین)
۳. ریحان خادم: خدمتگزار مخصوص مسعود غزنوی.
۴. داشتن: در این جا یعنی گماشتن و گماردن.
۵. گشادنامه: فرمان پادشاهان را گویند و آن را به عربی منشور گویند. (لغت‌نامه دهخدا)
۶. ملطفه: نامه باریک، نامه باریک کرده. (لغت‌نامه دهخدا)
۷. منشور: فرمان (لغت‌نامه دهخدا)
۸. مواضعه: قرارداد و شرکت باهم، موافقت در امری (لغت‌نامه دهخدا)
۹. مشافهه: سخن گفتن رویاروی (لغت‌نامه دهخدا)

منابع

۱. خطیب رهبر، خلیل؛ تاریخ بیهقی، ج ۳، ۹، تهران، انتشارات مهتاب، ۱۳۸۳.
۲. دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه، ۱۴، مجلد، چاپ اول از دوره جدید، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۳. صفا، ذبیح‌الله؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱۴، انتشارات فردوس، ۱۳۷۸.
۴. مصطفوی سبزواری، رضا؛ تاریخ بیهقی، ج ۱۳، انتشارات دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۷۶.
۵. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی، ج ۸، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.